

دکتر باقرپور کاشانی



مکان دار بودن خداوند در صحیحین

مکان‌دار بودن خداوند در صحیحین

یک‌سری روایت‌های دیگری هم باز من اشاره کنم، بخوانید و ببینید ریشه این حرف‌ها برمی‌گردد به صحیح مسلم و صحیح بخاری. ببینید کتاب‌های صحیح مسلم و صحیح بخاری، یک توضیح بدهم، این دو عالم بزرگ اهل تسنن هستند که بسیاری از علما، علمای عامه، قائلند که «أَصْحُ الْكُتُبِ بَعْدَ الْقُرْآنِ»، صحیح مسلم و صحیح بخاری هست، یعنی صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن، صحیح مسلم و صحیح بخاری هست. حتی بعضی‌ها گفتند هرچی در صحیح مسلم و صحیح بخاری است، همه درسته.

متأخرین ان‌قلت‌هایی وارد کردند و گفتند این‌طور نیست، اما خیلی از قداما گفتند هرچی که در صحیح مسلم و صحیح بخاری است، درسته. خب ببینید همین صحیح مسلم و صحیح بخاری همین مسائل را مطرح کرده.

مثلاً یک نمونه دیگر من خدمت بزرگواران عرض کنم. علامت گذاشتم، در همین کتاب‌های صحیح مسلم و صحیح بخاری در مورد اینکه خداوند دارای مکان دانستند! خب اول یک توضیح بدهم.

آقا می‌گویند چرا خدا دیده نمی‌شود؟

چرا خدا جسم نباشد؟

آقا جسم وقتی باشد، جسم خودش تعریف دارد، یعنی طول دارد، عرض دارد، ارتفاع دارد، این محدود است. جسم وقتی باشد، قابلیت ذهنی برای تجزیه دارد. جسم وقتی که باشد، این نیازمند به یک مکانی هست. همه نیاز در نیاز هست.

خب این می‌شود یک مخلوق خیلی بزرگ.

این دیگر خدا نیست که!

خدایی که مطرح می‌کنیم یعنی چی؟

یعنی قائم به خودش است، یعنی نیازمند نیست.

اصلاً خدا بود و چیزی نبود، مکان نبود، جا نبود.

اگر او نیازمند به مکان باشد، جا باشد، جسمانی باشد، اصلاً نمی‌شود

که مکان و جا را ازش انفکاک کرد، در صورتی که چیزی نبود غیر او.

حالا ببینید، از باب نمونه در صحیح بخاری جلد اول، کتاب الصلاة، باب

المساجد، باب سوم، حدیث ۳۹۷ - ۳۹۸.

همین حدیث در جلد دوم صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب

سیزدهم، حدیث ۵۴۷ آمده است.

حدیث چیست؟ حدیث این است:

عبداللہ بن عمر، پسر عمر، میگوید کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در سمت قبلہ دیوار مسجد آب دہانی دید. دیوار مسجد رو بہ قبلہ، یکی آب دہان انداختہ روی دیوار مسجد. حضرت بلند شدند و آن را پاک نمودند، سپس بہ مردم رو کردند و فرمودند: «وقتی یکی از شما نماز میخواند، رو بہ روی خود آب دہان نندازید، (یعنی رو بہ قبلہ آب دہان نندازید)، زیرا در موقع نماز خواندن خداوند در مقابل تو قرار گرفتہ و آب دہانی کہ میاندازی بہ خدا انداختی!»

مکانیت برای خداوند قائل شدن است! ولی یک نفر میگوید آقا منظور شاید این نباشد، میخواہد بگوید تقدس است. گیر ندارد، این روایتها را بہ تأویل میبریم. ولی ابن تیمیہ و محمد بن عبدالوہاب و بن باز میگویند: «اگر چنانچہ اینها را شما بہ تأویل ببرید، شما گمراہی!» همین ظواہر را باید اخذ بکنید. یا مثلاً نمونہ دیگری من خدمت بزرگواران عرض بکنم، روایت در جلد دوم صحیح مسلم ہست، کتاب الصلاۃ، حدیث ۵۳۷. بلہ، این روایتی ہست کہ حدیث مفصلی از معاویہ بن حکم است.

در ادامہ میگوید دربارہ سنجش ایمان کنیز از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سوال کردم. بہ رسول خدا عرض کردم:

«این کنیز را آزاد نکنم؟» یک کنیز را نزد حضرت آوردند. این کنیز را در راه خدا آزاد بکنم یا نکنم؟ فرمودند: «او را نزد من بیاور».

چون کنیز را نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم حاضر نمودند، از وی چنین سوال کرد: «خدا در کجاست؟»

«فَقَالَ لَهَا: أَيِنَّ اللَّه؟» این خانمی که کنیز بود چی جواب داد؟ گفت: «قَالَتْ: فِي السَّمَاءِ»، خدا در آسمان است!

بعد فرمودند که: «قَالَ: مَنْ أَنَا؟» من کی‌ام؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پرسیدند.

این خانم فرمودند: «قَالَتْ: أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ»،

خب بعد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چی فرمودند؟

در این جا می‌گوید پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفتند:

«این کنیز رو آزاد کن، زیرا وی دارای ایمان است». «أَعْتَقَهَا فَإِنَّهَا مُؤْمِنَةٌ».

عه! خدا گفته در آسمان است، مکان برای خدا قائل شده. می‌گوید که این دارای ایمان است!

جا برای خدا مطرح کردند.

این هم یک روایت.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir